



آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

اسم کتاب ارشاد الضال المتعصب للآل

مصنف

مؤلف مرزا محمد کبیر

خطی

چاپی نسخه نایب ۱۹ خطی

سال چاپ یا تحریر ۱۲۹۲ عدد اوراق ۲۷

جزء کتب مطهر شماره خصوصی

شماره عمومی

واقف

طول ۲۲/۵ عرض ۱۴ شماره صفحات در نسخه ۱۳۷۲

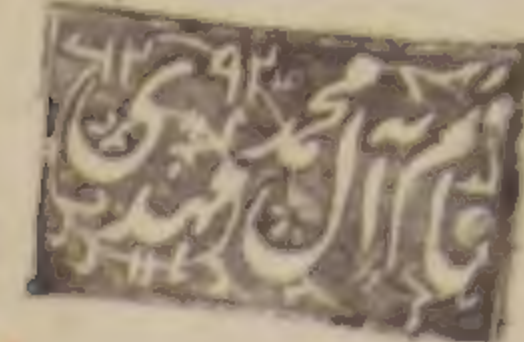
بازبین شد

۱۳۷۱

در بیان این مذهب که از طرف ائمه و اولاد ایشان صادر شده است و در هر روز
در میان مسلمانان و پیروان نوازش است که انداختن بیعت حضرت عثمان و حضرت
علی رضی الله عنهما را بدست میزنند و چون در میان مسلمانان و قبایل از آنها پرسیده
میشود که چه چیز شما را باعث برافراشتن این مذهب شده است میگویند پنج چیز را باعث
برافراشتن شده اول آنکه اباء و اجداد ما این مذهب را داشتند و همه جاهل بودند و آن
ملک علما بودند و دوم آنکه پادشاه ملک که ظلم را دوست داشت این مذهب را در
سیوم آنکه علما و ملوک ما یعنی مذهب را در دست کردند و در این مذهب معنی کشتن
است که هر که از این مذهب افتد کشته شود و در هر روز خود را ارشاد

میگویند

میگویند که این مذهب را این مذهب اختیار کرده اند و میردن خود را ارشاد میگویند
پنج آنکه کتب آنها که در ملک ما مروج اند در آنها بلای ناست کرده اند و حقیقت این مذهب
را فقه طایفین مروان طریقه و رائج ابی ذر و جبر و اوراق قرآن مجید دلیل
مذهب عثمان رضی الله عنه قرار داده اند و مقدمه صلح عکبری و دستگیر ختن
عایشه را دلیل مذهب حضرت علی مرتضی صلوات الله علیه و الله مقرر کردند و در عوام
شعوب که خود را ناجی میدانند دلائل این مذهب یعنی پنج چیز است که در این مذهب
میشود که آنکار حقیقت خلافت هر که خلیفه و آنکار حقیقت چهار مذهب کردند و مذهب
اهل بیت علیهم السلام اختیار کنند و نیز شمار را بر این مذهب بر این مذهب در جواب
میگویند اباء و اجداد ما بر این مذهب و تیره بوده اند پادشاهان دیار ما چون پادشاه
ایران و پادشاه یمن و پادشاه جزیره و غیره و شریف مکه و پادشاه حیدر آباد نیز
بر این طریقه دارند و علما و اولاد ما را که در آن خود را اوفق و اولاد ما را میردن خود
را بر این مذهب ارشاد میکنند و در کتبهای ما یعنی مذهب را ثابت کرده اند و مخالفان
ما با ما اتفاق دارند که خلفای و ارباب و مذهب را بر این مذهب از قرآن خود و حدیث
مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و کتب معتبره اشاعه و بعضی شایعه که هشت کسی
مقتدای خود میدانند آنها را نیز تسلی نماند و مذهب آمده میگویند اباء و اجداد
ما یعنی عقیده داشتند یعنی تابع چهار خلیفه و چهار مجتهد بودند و پادشاهان
دیار ما چون پادشاه روم و پادشاه بخارا و پادشاه هند یعنی عقیده دارند
و علما و ملوک ما را که در آن خود را اوفق و ملوک ما را میردن خود را بر این مذهب تلقین
میکند و در کتبهای ما خلافت و اجماع را اتفاق اکثر ائمه و اجداد خود را



بسم الله الرحمن الرحيم و تم بالبحر

بعد از حمد خدای متعال و صلوة و سلام بر مصطفی و آل مبکوبینده حضرت محمد
که این رساله بطریق جواب است از سؤالاتی که در غرض ازین تقریر نموده است
بعضی از علما و اولاد و سلم نموده اند که است منصفان و سلفه فرقه خوانند شدیم
در زمانه که یک فرقه نام جز باعث شده متابعان هر فرقه را که خود را ناجی
میدانند جواب هر یکی را تسلی نامیش آمده و آن عبارتست از پنج تقلید که آنرا
خمسه میگویند و آن تقلید آباء و اجداد دوم تقلید سلاطین سیوم تقلید
علما و ظاهر چهارم تقلید عرفای باطنی پنجم تقلید کتابها و مذہب مثلاً در شهر نرو
د عمان و مسقط و برون و اصب سکنی اند ختمی یعنی حضرت عثمان و حضرت
علی رضی الله عنهما را بدینگونه و بعد از آن هر یک میکنند و قبضه از آنها بر سیده
مینود که در جزئیات باعث بر احوال مذہب شده میکنند نیز جز را باعث
بر اختیار گزیده اول آنکه آباء و اجداد ما این مذہب را شنیدند و همه جاهلی بودند اند
بلکه علمای بودند اند دوم آنکه پادشاه ملک که ظلم است این مذہب دارد
سیوم آنکه علمای ملک معنی مذہب را ندانند و تا کردن خود را همین معنی ارشاد
میکند چهارم آنکه در این مذہب از پیش گرفته اند و مردن خود را ارشاد

نمایند پنجم آنکه فرقه داری این مذہب اختیار کرده اند و مردن خود را ارشاد نمایند
پنجم آنکه کتابها که در ملک ما مروج اند در آنها بدلائل ثابت کرده اند حقیقت این مذہب
را فقه طلبیدن مروان طریقه و راجع بی در وجود و اوراق قرآن مجید دلیل
مذہب عثمان رضی الله عنه قرار داده اند و مقدمه صلح عکبری و دستگیر سختی
عایشه را دلیل مذہب حضرت علی مرتضی صلوات الله علیه و اله مقرر گردانند و عوام
شبه که خود را ناجی میدانند دلائل اثباتی بر همین پنج خبر است و خبر از آنها
میشود که انکار حقیقت خلافت هر سلف و انکار حقیقت چهار مذہب کردن مذہب
اهل بیت علیهم السلام اختیار کنیم از شمار اهل بیت شدن در جواب
میکونند آباء و اجداد ما بر همین و تیره بودند اند پادشاهان دیار ما چون پادشاه
ایران و پادشاه یمن و پادشاه جزیره و غیره و شریف مکه و پادشاه حیدر آباد و غیره
همین طریقه دارند و علما و اولاد ما تا کردن خود را و قول از آنها و مردن خود
را همین ارشاد میکنند و در کتابهای ما هم مذہب را ثابت کرده اند و مخالفان
ما با اتفاق دارند که خلفا و ارباب و مذہب را بر قرآن خدا و حدیث
مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ثبوت نیامد اشاعره بعضی ثمانیه که هشت کسی
مقتدای خود میدانند آنها را نیز تسلی نامیش آمده میکنند آباء و اجداد
ما یعنی عقیده داشتند معنی تابع چهار خلیفه و چهار مجتهد بودند و پادشاهان
دیار ما چون پادشاه روم و پادشاه بختیار و پادشاه هند و همین عقیده دارند
و علما و ملک تا کردن خود را و قول از ملک مردن خود را همین تلقین
میکند و در کتابهای ما خلافت و اخبار با اتفاق از اخبار ائمه است غرض ازین

چرا که محدث و مختص اند فی الحدیث کل بدعت ضلالة بدانکه امام اعظم در بیان
حضرت جبرئیل است و امام اعظم در اینجا حضرت محمد رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم و امام اعظم در دوازده امام حضرت علی مرتضی است سلام الله
علیه پس بقوله نحن من محبی الصحابة الاربع والمذاهب الاربعه علی مذہب
الامام الاعظم بر طبق مشرب اشاعریه نیز مطابق شد و غیر چهار بار را در
میدارند و فدوی چهار مذہب اند و مذہب امام اعظم دارند منکر حضرت
ابوبکر و عمر و عثمان نزد ایشان مردود است آری تفضل میدهند حضرت
را بر هر سکه بزرگوار یعنی نبی و پیرانی سلم و پیر مطعون هر سکه بزرگوار نیز از
احباب کرام اند از دل و جان فدوی حبیب رب العالمین یعنی اسید المسلمین
صیاد الدنیا و الدنیا و سلم بعد از نبی اکرم بگوئی منکر بزرگ حضرت ابوبکر و حضرت
عمر و حضرت عثمان را فنی است بر جاست و اگر بگوئی منکر حضرت ابی ذر و
سلمان و مقداد را فنی هم رواست منکر اصحاب باشد را فنی منکر
اولاد باشد ناصبی و اگر بگوئی منکر برادر سبطین را فنی هم بجاست
یعنی دوست داشتن عیال و دوستان دشمنی سکه یا رضی است سوال رضی
عبارة از غلو است در مدح حضرت علی چنانکه نصیر و غرایی و سبائیه و خطائیه
و تخریک دارند آنکار سکه یا جواب چون زبان زد عوام شده است که
منکر سکه یا رضی است موافق حدیث تکلموا الناس علی قدر عقولهم گفته
اگر کسی منکر سکه یا رضی را نیز رضی بداند خلی در اصول دین هم نمیرد اما بعضی
بگویند که منافقین و مرتدین مانند مروان و ابوسفیان و اشعث بن قیس و



این سکه یا رضی است
و اگر بگوئی منکر سکه یا رضی
است موافق حدیث تکلموا الناس
علی قدر عقولهم گفته اگر کسی
منکر سکه یا رضی را نیز رضی
بداند خلی در اصول دین هم
نمیرد اما بعضی بگویند که
منافقین و مرتدین مانند مروان
و ابوسفیان و اشعث بن قیس و

این سکه یا رضی است
و اگر بگوئی منکر سکه یا رضی
است موافق حدیث تکلموا الناس
علی قدر عقولهم گفته اگر کسی
منکر سکه یا رضی را نیز رضی
بداند خلی در اصول دین هم
نمیرد اما بعضی بگویند که
منافقین و مرتدین مانند مروان
و ابوسفیان و اشعث بن قیس و